

ریشه عقب افتادگی سواحل جنوب کشور، پهناوری بیش از حد استان هرمزگان است / تشکیل استان مکران شرقی و مکران غربی از واجبات توسعه مکران است.

وضعیت فعلی انجمن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بنظرم دوره جدید انجمن خیلی با صبر و با برنامه دارد کار می‌کند و تجربه و راهنمایی بزرگان مانند آقایان دکتر دقیق و مهندس مسعودزاده در کنار انرژی جوان‌ترها یک چاشنی خوبی برای حرکات بزرگ و تغییر رویکرد شده است.

مثلا چه جور تغییر رویکردی؟

مثلا ما قبلا انجمن مهندسی دریایی را بیشتر با بخش کشتی‌سازی آن می‌شناختیم ولی اکنون نگاه‌ها خیلی وسیع‌تر شده و به سمت «توسعه دریامحور» رفته است که نه تنها کل صنایع دریایی را در برمیگیرد بلکه توسعه همه‌جانبه سواحل را نیز دربرمی‌گیرد. در همین نامه سرگشاده اخیر رییس محترم انجمن مهندسی دریایی، آقای دکتر عجمی به ریاست محترم جمهور بخوبی بر ضرورت «توسعه دریامحور» تاکید شده بود. در همایش امسال نیز رییس همایش، آقای دکتر دقیق، یکی از محورهای اصلی همایش را توسعه دریامحور گذاشتند. این نشان از یک همدلی و یک همفکری خوب در مسیری نو دارد.

صحبتی از اختلافات گذشته در انجمن نیست؟

به هیچ وجه. آن اختلافات به قدری بیهوده، غیرضروری و تاسف‌انگیز بودند که الان کسی از تیم فعلی حتی حاضر نیست به آنها فکر کند. بحمدالله آنچه تا الان شاهد بودم احترام و همفکری و تکمیل یکدیگر است.

همایش دریایی امسال در موعد مقرر انجام می‌شود؟ شما دبیر علمی همایش هستید؟

بله. قطعاً امسال با تمام توان برگزار می‌شود و بنده هم امسال دبیر علمی همایش هستم. امیدوارم اساتید و دانشجویان همت خوبی برای ارائه مقالات داشته باشند و اگر در این چند سال نتوانستند مقالات را ارائه کنند از این پس جبران شود. فعلاً هم سقفی برای تعداد مقالات مشخص نشده و افراد محدودیتی از این نظر ندارند. امیدوارم امسال تعداد و کیفیت مقالات، یک رکورد باشد و انباشت علمی چندساله اخیر به این همایش سرازیر شود.

آیا فکر می‌کنید انجمن بتواند کمک موثری در پیشبرد صنایع دریایی کشور داشته باشد؟

البته در این زمینه نباید اغراق کنیم. انجمن یک جایگاه مردم نهاد با نظرات غیرالزام‌آور و با محدودیتهای مالی زیاد است ولی همانطور که گفتیم اگر این تیم بتواند «توسعه دریامحور» را در جامعه سیاسی کشور بیشتر جا بیندازد، حرکتی به مراتب بزرگتر از توسعه صنایع دریایی که همان توسعه سواحل باشد را راهبری کند.

«توسعه دریامحور» در یک جمله یعنی چه؟

یعنی انتقال کلیه صنایع آب‌بر، بخش مهمی از کشاورزی و خدمات و در نتیجه بخش مهمی از جمعیت ایران باید به کنار سواحل منتقل شوند. اگر تا دیروز فقط از صنایع فراساحل و شیلات و کشتی‌سازی در سواحل صحبت می‌کردیم امروز می‌گوییم «کل صنایع بزرگ و آب‌بر» مانند صنایع فولاد، پتروشیمی و نیروگاه‌ها باید به کنار سواحل منتقل شوند. دیگر معنی نمی‌دهد وسط کویر سمنان و یزد و اصفهان طرح توسعه فولاد اجرا کنیم و کل منابع آبهای شیرین این مناطق را نابود کنیم.

پس مشکل اصلی و ضرورت مهم در پرداختن به توسعه دریامحور، خشکسالی است؟

دقیقا. برخی مواقع یک اندوه بزرگی در دل آدم لانه می‌کند که چرا ما ایرانیها برخی چیزها را اینقدر دیر درک میکنیم یا اصلا درک نمی‌کنیم. شما به همین قضایای امنیتی اخیر خوزستان در ماههای قبل نگاه کنید. مشابه آن در کل ایران است. بدبختانه هنوز هم که هنوز هست، بعد از ۴۰ سال، مدیران ارشد کشور و حتی وزرا، مشکل خشکسالی را ساخته شدن یا نشدن فلان سد و انجام شدن فلان پروژه انتقال آب بین حوزه‌ای میدانند! یعنی هنوز هم نفهمیده‌اند از کجا خورده‌اند. این یک مصیبت بدعلاج است. وقتی نگاه کلان توسعه در کشور ما برای بیش از ۴۰ سال یک نگاه بری و بیابانی بوده و امروزه حدود ۷۵ میلیون نفر از جمعیت ۸۵ میلیون نفری را وسط کویر و مناطق خشک ایران جانمایی کرده‌ایم (که بعضا ریشه تاریخی دارد)، معلومست که چنین میشود. قطعاً بدانید اگر توسعه دریامحور هرچه زودتر از طرف وزرا و مقامات ایران درک نشود، این درگیری‌های امنیتی ناشی از کم‌آبی سال به سال شدیدتر و گسترده‌تر خواهد شد. وقتی جمعیت ایران روز به روز در حال افزایش است و منابع آبی، روز به روز در حال کاهش است، این نامعادله را چگونه باید حل کنند؟ فقط یک راه دارد: کوچ به سمت سواحل.

دورنما را چگونه می‌بینید؟ امیدی به آینده هست؟

خدا بیامرزد این دکتر کردوانی را. پدر علم کویرشناسی ایران. ۴۰ سال مصاحبه کرد و هشدار داد که کم‌آبی و خشکسالی و ریزگردها و فرونشست زمین و خشک شدن منابع آب زیرزمینی، آینده حیات ایرانیان را تهدید می‌کند ولی خب کسی نفهمید چه می‌گوید. شما همین چند هفته پیش برنامه وزرای جدید را گوش کردید در مجلس. حسرت و آه در دلم ماند ولی حتی یک بار کلمه «توسعه دریامحور» را از زبان وزرای اصلی مانند نیرو، صنایع، شهرسازی، کشاورزی و نفت نشنیدم. وزارت نیرو که متولی اصلی رفع کم‌آبی کشور است، وزارت صنایع و کشاورزی که مقصر اصلی مکش آب‌های شیرین کشور هستند، انگار هنوز هم با موضوع توسعه دریامحور بیگانه هستند. بعید میدانم با این نوع نگاه کلان وزارتی، بتوان توقع

توسعه و تحول داشت. وزیران ایرانی هرگز باور نداشته‌اند که وزیر یک کشور دریایی هستند نه یک کشور محصور در خشکی و بیابان. اینطور باشد از سوراخی که ۴۰ سال هست گزیده میشویم باز هم گزیده خواهیم شد.

فکر می‌کنید ته این مسیر کجاست؟

بالاخره مجبور میشویم به توسعه دریامحور و رعایت الزامات آن برگردیم. مجبور هستیم. مختار نیستیم. آنقدر در سالهای آتی، مشکلات امنیتی و درگیری و خونریزی ناشی از تصاحب منابع آبی در کشور زیاد خواهد شد که نهادهای امنیتی را مجبور خواهد کرد که فکری به حال موضوع کنند. در این کشور عموماً مشکلات بزرگ فقط با نگاه امنیتی حل می‌شوند و گرنه وزرا و مدیران، با علاقه و اختیار خود به این سمت و سواها نمی‌روند. نه انگیزه‌ای دارند نه درک درستی از ضرورت موضوع. فقط امیدوارم خیلی دیر نشود چون اجرا کردن این نگاه توسعه‌ای بعد از ۴۰۰ سال در کشور، یک شبه و یک ساله قابل انجام نیست. اگر همین امروز شروع کنیم حداقل ۲۰ سال زمان می‌برد.

نقطه شروع را کجا می‌دانید؟

اول از همه انتخاب مدیرانی با شاکله تفکری و باور قلبی به ضرورت توسعه دریامحور نه اینکه به زور در ذهنشان بخواهند فرو کنند که توسعه دریامحور چیست. دوم، اصلاحات هرچه سریعتر استانی بخصوص در جنوب کشور. با این استانهای بزرگ و بلا تکلیف و کم بودجه با ضعیف‌ترین مدیران و فرمانداران جامانده از انتهای لیست استانهای مرکزی ایران! راه به جایی نمی‌بریم. ریشه عقب افتادگی سواحل جنوب کشور، پهناوری بیش از حد استان هرمزگان است. استان هرمزگان به تنهایی حدود ۸۵۰ کیلومتر خط ساحلی دارد که با احتساب جزایر، به تنهایی حدود ۵۰ درصد از سواحل جنوب کشور را در اختیار دارد که شامل ۱۴ جزیره مهم ایران در خلیج فارس است. آیا این معقول و منطقی است؟ برای فعال سازی «اقتصاد دریا محور»، اولین و مهمترین گام، تغییر تقسیم‌بندی استان‌های جنوبی است. تشکیل یک استان مستقل که مدیریت ۳۰ جزیره ایرانی در خلیج فارس را بر عهده بگیرد یک گام مهم در ساماندهی جزایر است. این استان میتواند «استان جزایر» نام گیرد و مرکز آن در قشم یا کیش باشد. اگر از قابلیت‌های جزایر بخوبی استفاده شود به تنهایی می‌توان بیش از کل بودجه کشور از همین جزایر درآمد داشت. دو مقایسه در اینجا می‌تواند مفید باشد: کل کشور سنگاپور یک جزیره به مساحت حدود ۷۰۰ کیلومترمربع است در حالیکه مساحت جزیره قشم (به عنوان بزرگترین جزیره ایرانی خلیج فارس) به تنهایی برابر ۱۵۰۰ کیلومتر مربع است یعنی بیش از دو برابر مساحت کشور سنگاپور! این در حالیست که بودجه سالیانه کشور سنگاپور ۴۳ میلیارد دلار و کل بودجه ایران ۸۰ میلیارد دلار (با احتساب بیش از نیمی از این بودجه از فروش نفت و گاز) است!! یعنی یک جزیره کوچک که مساحت آن کمتر از نیمی از مساحت جزیره قشم است معادل نیمی از کل بودجه ایران یا برابر کل درآمد غیرنفتی ایران در سال درآمد دارد!! یا در یک مثال دیگر، هنگ کنگ یک جزیره به مساحت ۱۱۰۰ کیلومتر مربع است با بودجه سالیانه ۶۰ میلیارد دلار! این اعداد و ارقام بخوبی نشان میدهند که اگر ما فقط از ظرفیتهای جزایر ایران بخوبی استفاده کنیم معادل چند برابر درآمدهای نفتی میتوانیم درآمد کسب کنیم. جزیره قشم به تنهایی بزرگتر از ۲۲ کشور جهان است. تشکیل استان مکران شرقی و مکران غربی از واجبات توسعه مکران است.

ما قسمتی از فضای فکری خود در تغییر تقسیمات استانی جنوب را در نقشه زیر نشان دادیم که از مقدمات ضروری توسعه دریامحور است.



... و سخن پایانی؟

از کلیه عزیزان جامعه دریایی تقاضا دارم انجمن دریایی را تغذیه فکری و روحی کنند. این تیم فعلی انجمن یک تیم یکدست و متحد و خوب است که فکرهای بزرگی در ذهن دارند. از دل و جان کار میکنند. این انجمن را حمایت کنید. خط فکری آن را پیگیری و تبلیغ کنید. حتما در همایش دریایی نقش فعال داشته باشید. مقالات متعدد بدهید ولی نه فقط مقالات فنی. مقالات مدیریتی هم بدهید مثلا در همین حوزه توسعه دریامحور و الزامات و راهکارهای آن که جزو محورهای همایش هم هست. شاید توانستیم به اتفاق هم یک «کشور دریایی واقعی» بسازیم. امروز دیگر دغدغه ما صرفا توسعه صنایع دریایی نیست. تضمین حیات ایران و بقاء فرزندانمان با نگاه به دریاست. کار سختیست ولی شدنیست. انشاء الله.